



درباره چرایی گرایش به جستارنویسی و جستارسازی در گفت وگو با محمد طلوعی

جستار، قالب روح واقع‌گرای زمانه است

مجید خاکپور

جستار ، قالب ادبی نورسیده ای نیست. چه در ادبیات کهن فارسی و چه در ادبیات و فلسفه غرب. نویسندگان و اندیشمندان بسیاری در باب موضوع های مختلف از این قالب برای قلمی کردن افکار ی عواطف و احساسات، یا به اشتراک گذاشتن برداشتشان از موضوعی یا... استفاده کرده اند. اما اینکه چرا در چند سال اخیر میل به جستارخوانی و جستارنویسی در ایران بالاگرفته است جای تأمل و بحث دارد. ناشران و نشریات به طرز محسوسی به این قالب ادبی روی خوش نشان می دهند. کارگاه های جستارنویسی گرم است و گویا روز به روز دارد بر خیل مشتاقان جستار افزوده می شود. کشش به جستار و جستارنویسی چنان زیاد شده که وقتی برخی جان و حال عرق ریختن برای نوشتن این گونه را ندارند، یا اصلا از توانشان خارج است، یا تعریف درستی از آن ندارند. خیلی ساده مسئله را حل می کنند و به مطالبی مانند معرفی کتاب یا ربیویوی فیلم یا بیان خاطره در اینستاگرام هم می گویند جستار. یعنی فقط اسمش را غصب می کنند. از این رو، همان طور که تکرار بیش از حد هر چیز و مصرف بسیار آن می تواند سبب ابتذالش شود. جستار هم از این قاعده مستثنا نیست. اینـ موضوع را با محمد طلوعی که دو مجموعه جستارش، «زیر سقف دنیا» و «ویرانه های من» از آثار استقبال شده این قالب است مطرح کردیم. او بر این باور است که جستار قالب روح واقع‌گرای زمانه است و به همین دلیل با اقبال روبه رو شده است و نباید نگران به ابتذال کشیده شدنش باشیم. چراکه در هر حال در گذر روزگار و با داوری خوانندگان، غریبال خواهند شد. البته او قائل به پدیده جستارسازی هست. از او همچنین درباره ویژگی های جستار و جستارنویس خوب پرسیدیم.

● می بینیم که نه تنها تعداد کسانی که می خواهند

جستارنویس باشند زیاد شده، کار از این گذشته و کسانی که نوشته شان هیچ ربطی به جستار ندارد، عنوان ستون یا مطلب یا نوشته خودشان را می گذارند جستار. گویی با این نام گذاری نوشته آن ها تغییر ماهیت می دهد و می شود جستار و نویسنده اش هم ملقب می شود به عنوان «جستارنویس».

به نظر شما این ها، این رفتار و تلاش ها سبب ابتذال جستار نمی شود؟
بسیاری از متن هایی که امروز در فارسی نوشته می شود و نویسنده اسم جستار رویش می گذارد تعریف های دیگری دارد، اما حالا قرار نیست ما پاسبان کلمات باشیم و فکر کنیم که ساحت جستار دارد خدشه دار می شود. این یک مسیر است که تازه شروع شده و در بدایت هر کاری این لغزش ها هست. جستار تعریف تقریبا دقیقی در ادبیات فرنگی دارد (حالا البته دعوا از همین جمله شروع می شود که مثلا در ادبیات انگلیسی این تعریف با ادبیات فرانسوی فرق دارد، حتی خود تعریف ناداستان در ادبیات فرانسوی و ادبیات انگلیسی متفاوت است، بسته به اینکه کدام ادبیات فرنگی را مرجع حرفمان بگیریم این تعریف فرق می کند.) ما البته احتمالا کسانی را داریم که می خواهند این کلمه را بازتعریف یا موسع کنند. بنابراین، باد مسئله مواجهیم، کسانی که جستار را نمی شناسند و با شناخت نداشتن به هر متن ناداستانی می گویند جستار یا این قالب را می شناسند و می خواهند با تعریف یا ایرانی سازی اش کنند. بنابراین، به قالب هایی اطلاق جستار می کنند که طبق تعریف فرنگیان جستار نیست. هر کدام از این دو مسئله باشد به نظر به مرور و با زد و خورد این متن ها تعریف درست خودش را به ما نمایان می کند. باید صبر کنیم و از این موقعیت ترسیم و فکر نکنیم د چار ابتذال در تعریف می شویم. البته می توانیم بگوییم که با پدیده جستارسازی متون روبه رو هستیم.

● مطلقا نمی خواهم ارزش گذاری کنم و بگویم جستار والاترین گونه ادبی است و جستارنویس کوه نور بر کلاش دارد. شاید من کمی بدبینانه به قضیه نگاه می کنم. مسئله لزوما پاسایی از یک کلمه یا عنوان نیست، صحبت از ساده سازی و پیش یافتاده شدن آن است، تلاش برای به قواره کردن. این خودش آسیب دارد. وقتی هر کسی متن خودش را جستار بداند و جستارها قارچ گونه زیاد شود، طبیعی است که این قالب هم از سکه بیفتد یا مبتذل شود و هم بخت دیده و خوانده شدن آثار خوب کم شود. حالا قرار نیست برویم یقه گیری کنیم، اما به نظر

انواع جستار

نوشتاری از محمد طلوعی

جستار گونه ادبیّ سیالی است و به یک تعریف و یک نوع خلاصه نمی شود. شناخت آن، حد و مرز و انواعش می تواند به قاعده مند شدنش کمک کند و سبب تمیز آنچه جستار هست و آنچه نیست، شود. محمد طلوعی، نویسنده آثاری مانند «من ژانت نیستم»، «آنا تومی افسردگی»، «هفت گنبد» و مجموعه جستارهای «زیر سقف دنیا» و «ویرانه های من» در مطلبی که در اختیار شهرآرا قرار داده، مروری کوتاه داشته است بر انواع جستار که در ادامه می آید.

Definition Essay

● جستار متعین یا تعریفی

جستار متعین نوشته ای است که معنای یک عبارت را توضیح می دهد. بعضی عبارت ها معنایی مشخص و ملموس دارند؛ مثل شیشه، کتاب و درخت. عبارت هایی مثل صداقت، افتخار، یا عشق انتزاعی اند و معنایشان بیشتر به دیدگاه شخص بستگی دارد. نویسنده جستار متعین سه مرحله پیش رو دارد: اول به خوانندگان می گوید چه اصطلاحی را قرار است تعریف کند. سپس اطلاعاتی واضح و اساسی به خواننده ارائه می دهد و در آخر، از حقایق، مثال ها و حکایت هایی استفاده می کند که برای خواننده فهم پذیر باشد.

Narrative Essay

● جستار روایی

این نوع جستار یک بن مایه (موتیف) یا نقطه مرکزی دارد که کل روایت حول آن شکل می گیرد. تمام رویداد ها، اتفاق ها و شخصیت ها حول بن مایه ای که در روایت ارائه شده است، می چرخند. فرق جستار روایی و داستان کوتاه این است که داستان کوتاه حول یک بن مایه از پیش تعیین شده نمی چرخد و قالب مشخصی ندارد. همچنین، داستان کوتاه همیشه خواننده را در برهه ای حساس رها می کند و او را تشنه کشف بیشتر نگه می دارد، اما جستار روایی وقتی تمام می شود که خواننده راضی شده باشد و چیزی دیگر برای کشف باقی نمانده باشد. شخصیت، درون مایه یا بن مایه و گفت وگو، سه عنصر اصلی جستار روایی هستند.

کلاس های جستارنویسی، در اختصاص صفحاتی از مجلات به چاپ جستار و... فارغ از قضاوت ارزشی، چرا این طور شده است؟ در جستار چه چیزی هست که این قدر مشتاق پیدا کرده است؟ به نظر من این موج دوم رویارویی با هر پدیده فرهنگی است؛ موج اول انکار است و موج دوم شیفتگی. همان رابطه ای که ادب فارسی با شعر نو داشته است. سال ها صرف انکار شد و بعد دیگر نمی شد جلو آمد م های گروه را گرفت و توضیح داد که قالب شعر نتنها قالب زمانه نیست. به نظر من این طور شده که جستار قالب زمانه است و همه در هول ولولای این افتاده اند که روشش را بیاموزند و بشناسند و بنویسند. هیچ گریزی نیست و باید این روزها را از سر بگذرانیم تا به تعادل برسیم. فعلا که جستار انکار قالب روزگار است. در خود تعریف جستار ما قالبی داریم که در کار نقد و نظر یک اثر ادبی است و به آن Critical Essay می گویند. گاهی این قالب جستار به توسع برداشت بدل به روخوانی و معرفی سریع می شود.

● بگذارید یک اعترافی بکنم، فارغ از هر دلیلی که حتما دلایل بسیار و عمیقی دارد، به نظر من خود جستار جذاب است. فکر می کنم یکی از دلایل فروش زیاد «صد سال تنهایی» در ایران -از جاهای دیگر دنیا خبر ندارم- عنوانش است. خیلی حسی و بی آمار دارم این ادعا را مطرح می کنم. اما چرا وقتی عنوان «جستار» سر زبان ها نیفتاده بود و به آن «رساله» یا به ترجمه زنده یاد سمعی گیلانی «تتبعات» می گفتند، این اندازه خواهند و مشتاق نداشت؟

عنوان جستار به نظر معادل خوبی برای essay است و برخلاف بقیه معادل ها خوب جا افتاده و اتفاقا

«زندان هایی که برای زندگی انتخاب می کنیم» مجموعه ای است از پنج جستار از دوریس لیسینگ که در کرمانشاه به دنیا آمد و تا شش سالگی در ایران بود. بعد به همراه پدر و مادرش به یکی از مستعمره های انگلستان در آفریقا، یعنی رودزیای جنوبی (زیمبابوه فعلی) رفت. او خیلی زود و بی واسطه با مفاهیمی مانند استبداد، آپارتاید و تبعیض آشنا شد. ایدئولوژی را شناخت و دید بیرویی کورکورانها از یک باور چطور باعث می شود همسایه های تا دیروز، مهدیگر را بزنند. تجربه های زیسته غنی و دردناکش از سویی و دم خور و عجبین بودن با ادبیات از سوی دیگر، او را مسلح به «چشم سوم» کرد؛ موهبتی که به گفته خودش با آن می شود خودمان را آن طور که دیگران و آیندگان می بینند و داوری می کنند، ببینیم. لیسینگ در این جستارها به مباحثی درباره جامعه، تأثیرپذیری انسان از جمع، شست وشوی مغزی، اهمیت اندیشیدن، فردیت و... پرداخته است، آن چنان که فقط از زنی خردمند مانند او برمی آید.

Persuasive Essay

● جستار تشویقی یا متقاعدکننده

نوشتن جستار تشویقی مثل این است که وکیلی باشی درگیر بحث با هیئت منصفه. نویسنده در قبال موضوع موردنظر موضعی می گیرد. موافق یا مخالف و. قوی ترین استدلال ممکن را برای قانع کردن خواننده به کار می برد. در جستار تشویقی، وظیفه نویسنده این است که خواننده را راضی کند دیدگاه خاصی را بپذیرد یا کنش خاصی انجام دهد. نویسنده برای نوشتن جستار تشویقی به تحقیق و بررسی، آگاهی از تعصب ها و جانبداری های خواننده و درکی عمیق از هر دو طرف ماجرا نیاز دارد. یک جستار تشویقی خوب نه تنها نشان می دهد چرا نظر نویسنده صحیح است، بلکه نادرست بودن دیدگاه مقابل را هم ثابت می کند. نوشتار تشویقی بخشی جدایی ناپذیر از زندگی مدرن است و اغلب در تبلیغات، سرمقاله روزنامه ها، بلاگ ها و سخنرانی های سیاسی به کار می رود.

Argumentative Essay

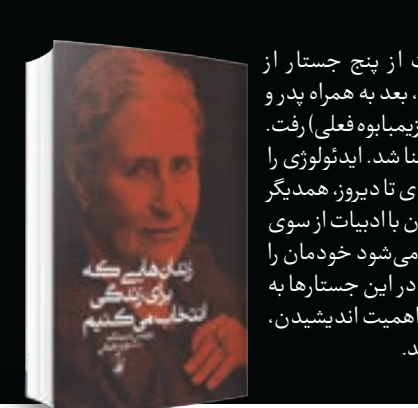
● جستار جدلی

جستار جدلی نوعی جستار است که برهان هایی از هر دو سوی یک مسئله ارائه می دهد. ممکن است هر دو طرف به طور یکسان و متعادل به خواننده ارائه شوند، یا یک طرف مسئله با استدلال محکم تری نوشته شود. همه این ها به نویسنده بستگی دارد و اینکه کدام طرف را بیشتر حمایت می کند. گاهی جستار جدلی و جستار توضیحی با هم اشتباه گرفته می شوند. این دو ژانر مشابه اند ولی مدار فعالیت های پیشا نوشتاری و تحقیقات لازم برای نوشتن جستار جدلی، با جستار توضیحی بسیار متفاوت است. جستار جدلی معمولا پروژه آخر سال دوره های نوشتار پیشرفته است و مستلزم تحقیقات مفصل. جستار توضیحی به تحقیقات کمتری نیاز دارد و کوتاه تر است و معمولاً تمرین یا امتحان مهارت نوشتن در آزمون هایی مثل GRE است.

Analytical Essay

● جستار تحلیلی

تحلیل یک چیز یا موضوع یعنی جدا کردن قسمت های مختلف و بررسی جداگانه اجزای مختلفش به منظور



فهمیدن کل موضوع. تفاوت جستار تحلیلی با سایر جستارها این است که هدف اصلی اش توضیح جزء به جزء یک موضوع است تا فهم خواننده از آن موضوع بیشتر شود. جستار تحلیلی بیشتر اوقات به تحلیل یک متن یا فرایند یا ایده می پردازد. اما در ادبیات برای فهم بیشتر یک قطعه ادبی از تحلیل انتقادی استفاده می شود.

Cause and Effect Essay

● جستار علت و معلولی

جستار علت و معلولی نوع رایج دیگری از جستار است؛ چه در قالب جستاری مستقل، چه در قالب بخشی از یک جستار بزرگ تر که یک یا دو پاراگراف را به بررسی علت ها و معلول ها اختصاص می دهد. جستار علت و معلولی به دلایل (یا علت های) یک اتفاق نگاه می کند، بعد نتایج (یا معلول های) آن دلایل را مطرح می کند. این نوع جستار از رایج ترین قالب های «سازمان دهی» در نوشتار آکادمیک است. گاهی کل جستار به علت و معلول اختصاص دارد. گاهی فقط بخشی از آن. در جستارهای کوتاه امتحانی حتی ممکن است فقط علت ها یا فقط معلول ها، نه هر دو با هم، مطرح و بررسی شوند.

Compare/Contrast Essay

● جستار قیاس و تقابل

قیاس در نوشتار عناصر مشابه را بررسی می کند، اما تقابل به بررسی عناصر متفاوت می پردازد. بنابراین، جستار قیاس و تقابل دو موضوع را از طریق قیاس، تقابل، یا هر دو، تحلیل می کند. کلید نوشتن جستار قیاس و تقابل خوب انتخاب دو یا چند موضوع است که به شیوه ای معنادار به هم مرتبط باشند. هدف قیاس و تقابل نه بیان بدیهیات بلکه نشان دادن تفاوت های نامحسوس یا شباهت های غیرمنتظره است. مثلاً اگر می خواهید روی تقابل د و موضوع کار کنید، سیب و پرتقال را انتخاب نمی کنید، بلکه دو نوع پرتقال یا دو نوع سیب مختلف را انتخاب می کنید تا تفاوت های نامحسوسشان را نشان بدهید. بیان تمایزهای عناصر یک قطعه بدی را مشابه فهم مخاطب از آن طایفه بندی را بیشتر می کند، هدف جستار قیاس و تقابل همین است.



جهانی که رسیدن به آن راه میان بر ندارد و نمی شود با رقتن به کارگاه و کلاس آن ها را آموخت (البته که کارگاه و کلاس خوب می تواند تکنیک و راه و روش و انگیزه و اعتماد به نفس بدهد)، باید عمر صرف و زندگی کرد. مثلاً در و کتاب خودتان، «زیر سقف دنیا» و «ویرانه های من»، تک تک نوشته های هر دو ردونشان زندگی یا داغ خاطره بر تن خودشان دارند. یا مثلاً نشان نبوغ و بسیارخواندن در جستارهای اتیین دو لابیسی فرانسوی که جوان هم از دنیا رفته است، دیده می شود. به نظر شما چه ارتباطی بین تجربه زیسته پربار و بسیارخواندن با خوب نوشتن جستار هست؟

به نظر من جستارنویس بسیار زندگی کرده و بسیاری قالب دیگر را از سرگذرانده و توقفش در جستار نه از سر بی قالبی و بی اختیاری که حاصل دقت و حضور است. واقعا به نظر من جستارنویسی خانه آخر نویسنده است، جایی است که نویسنده مقیم می شود، نه که تجربه می کند هنوز. یعنی اگر به من باشد، به کسی توصیه نمی کنم اولین نوشته هایش را در این قالب قلم انداز کند. فارغ از سن نویسنده، مقام جستار جایی برای آرام گرفتن و سکناست. و واقعیت برای خودم بعد از نوشتن دو کتاب جستار، برگشتن به داستان بسیار سخت و کند بود و همین مجموعه را هم در «۱۰سال و بیشتر نوشته بودم. یعنی برای من این طور نبوده است که کتاب جستار بنویسم؛ ایده هایی بوده که در این قالب در سال ها نوشتم و بعد چندتابی کنار هم قرار گرفت و حاصلش شد این دو کتاب. فکر می کنم شکل درست و به قاعده اش هم همین است که جستار در طول سال ها از نویسنده رسوب می کند.

● تعریف شما از جستار خوب و بد چیست؟ در مواجهه با آثاری در این قالب و گونه برای خودت به چه مترومعیاری رسیده ای؟ چه ویژگی هایی باید داشته باشد که بگویی این شد یک جستار جان دار؟

جستار خوب ما را تکان می دهد و سوای ادبیت ما را به فکر فرو می برد. جستار قالب تفکر است و ما را وامی دارد در بسیاری از دانسته هایمان بازنگری کنیم. خواندن کتاب «زندان هایی که برای زندگی انتخاب می کنیم» از دوریس لیسینگ ناگهان همه تعریف اجتماع گرایی در ما را تغییر می دهد. یا خواندن «غرب زدگی» جلال آل احمد فارغ از نظرها و منظر جلال به این موضوع، برای ما طرح مسئله می کند و اجازه گفت وگو و تفکر را در این مسئله می دهد. جستار درست یک چنین چیزی است؛ راهگشای مکالمه و تأمل بعدی است.

Critical Essay

● جستار انتقادی

جستار انتقادی نوعی نوشتار آکادمیک است که متنی را تحلیل، تفسیر یا ارزیابی می کند. نویسنده در جستار انتقادی مدعی می شود که ایده ها یا درون مایه های خاصی در متن مستترند. بعد با شواهدی که از منابع اولیه یا ثانویه ارائه می دهد ادعایش را ثابت می کند. کاری که در اغلب پایان نامه های رشته های ادبیات انجام می شود. در مکالمه های روزمره معمولاً واژه «انتقادی» را منفی و ناخوشایند تلقی می کنیم، اما درباره جستار انتقادی کلمه «انتقادی» فقط به معنی «تحلیلی» به کار می رود.

Process Essay

● جستار فرایندی

جستار فرایندی، به زبان ساده، متنی است که کاری را به خواننده آموزش می دهد (در انگلیسی به این جور متن ها HOW-to می گویند.) این جور نوشته ها مراحل رسیدن به هدفی خاص را برای خواننده توضیح می دهند، از طریق ساختن یا تولید محصولی مشخص تا طرز تهیه یک غذا. جستار فرایندی باید خواننده را در انجام کاری قدم به قدم همراهی و موفقیش را تضمین کند. این جور جستارها معمولاً خطاب به افراد تازه کار یا بی تجربه نوشته می شوند.

Explanatory Essay

● جستار تبیینی

Explication یعنی توضیح و تفسیر اثری ادبی. جستار تبیینی برای توضیح و تفسیر یک قطعه ادبی مثل شعر، نمایش نامه، رمان یا داستان کوتاه به کار می رود. این نوع جستار معمولاً جملات، ابیات یا قطعه های جداشده از آثار طولانی تر ادبی را بررسی می کند، اما این نوع جستار هم مثل تمام جستارهای دیگر به یک نظریه (thesis) واضح نیاز دارد که بدنه جستار روی آن تمرکز می کند و با نتیجه گیری به پایان می رسد. منبع قسمت های مختلف جستار هم ذکر می شود تا ادعای اصلی محکم تر شود و استدلال پیش برود.